کتاب ناصر قفاری و استفاده از تحریف قرآن بر علیه شیعه

شاهد این چیست؟ نمیدانم وقتی این جزوه را شروع کردیم گفته ام ای نه. ذیل این آیه چه چیزی صورت گرفته است. کتابی در سال ۱۴۱۴ چاپ شد. پایان نامه دکتر ناصر قفاری در عربستان بوده. در سه جلد چاپ شده است. أصول مذهب الشيعة الإمامية الإثني عشرية. اگر اسم آن درست یادم باشد. این کتاب در سه جلد چاپ شد و بیرون آمد. خب برای خودش کتابی بود. بعضیها کتاب مینویسند و فحش میدهند. مثل شمشیری است که رنگ قرمز روی آن بریزند و بگویند ببین این شمشیر چنان آخته است که خون هم از آن میریزد. این یک جور ادبیات است. ادبیات شمشیر مسلول آخته تاخته. اما یک وقتی است که هفت تیری را برمیدارند و آن را زینت میکنند؛ دسته طلائی، یک شاخه گل هم روی آن میزنند. هر کسی به آن نگاه کند میگوید که خیلی قشنگ است. اما چه کاری از هفت تیر برمیآید؟! این گل برای چیست؟!

این کتاب قفاری هم به همین صورت است. یعنی وقتی شروع میکند، یک هفت تیر و مسلسلی است که روی آن گل گذاشته و رنگ آمیزی کرده. میگوید به ادبیات آکادمیک دانشگاهی حرف بزنیم. ما که نمیخواهیم دعوا کنیم. ما میخواهیم ببینیم حق چیست. عبارات قوم را بخوانیم و تحقیق کنیم. از این حرفها میزند. اما بعد میبینید همان مسلسلی است که وقتی شروع میکند رگبار میگیرد. شیخی هم که سنی شده و در این شبکهها میرود...؛ البته بعضی احتمال دادهاند که او از اول نفوذی بوده. به این عنوان آمده که من طلبه شیعی هستم، بعد میگوید من رفتم سنی شدم. این احتمال دور نیست. علی ای حال من شنیدهام، از خودش نشنیده ام. البته فحش هایی که میدهد را شنیدهام. عجائب! توی جلوی این همه از جمعیت با دروغ دهن باز میکنی و بعد فحش هم میدهی؟! پناه بر خدا! آن چیزی که من شنیدهام او گفته، این بود که سبب هدایت من که از شیعه دست برداشتم و رفتم سنی شدم، همین کتاب قفاری است. این سه جلد کتاب را خواندم. ادبیات این کتاب اینطور است.

خب حالا رسمی که اینها دارند، همین است. اول بحث مهمی که میخواهند بهعنوان براعت استهلال و شروع کارشان بگویند، مسأله تحریف قرآن است. میگویند ای مسلمانان قرآن بین شما به چه صورت است؟ اما این طایفه شیعه قرآن را هیچ میدانند. اگر هم جایی گفته اند قرآن همین است، تقیه میکنند.

با آن ادبیاتی که دارد، شروع میکند و میگوید ببینیم تاریخ شیعه چه زمانی است و شیعه از چه زمانی شروع شد. به ذهن من میآید بهصورت فردی ای گروهی، برای این کتاب دو شرح مزجی بنویسند. یک شرح مزجی بنویسند که بین عبارات او مستندات روشن از حرفهای خودشان بیاورند و آنها را در کنند؛ فقط مستند بیاورند و آدرس بدهند؛ نصف سطر صحیح بخاری را بیاورند؛ یعنی تو این را میگویی و صحیح بخاری هم این را میگوید. این یک جور شرح مزجی است.

یعنی سطر به سطر را مستند کنید. یعنی مستندات روشن باشد، هیچ حرفی هم نزنند. خود این مستندات جواب او را بدهد. با زرق و برق عبارت که نمی‌تواند، حرف بزنید.

شرح مزجی دوم، مثل خودش است. با همین جور ادبیات بزک شده‌ای که مثل هفتیری است که گل روی آن گذاشته شده، جوابش را بدهند. این دومی یکی تخصصی می‌خواهد. یعنی ایجاد تنش حرام است. ایجاد شقاق بین مسلمانان حرام است. اما جواب مالیمی که مثل کار خود او باشد، حرام نیست. یعنی هر کسی آن را ببیند، به شقاق منجر نمی‌شود. اما نگذاشتید طرف هر کاری می‌خواهد بر سر طرف بیاورد.

او در کتاب می‌گوید مسلمانان آرام بودند و داغ دار پیامبرشان بودند؛ هیچ مشکلی نداشتند تا اینکه ابن سبا پیدا شد و شیعه را در اسلام به وجود درآورد. درحالی‌که در اسلام شیعه ای نبود. صحابه که خبر از شیعه نداشتند. تا زمان خلافت امیرالمؤمنین آمد؛ اوخر عثمان بود که او پیدا شد و شروع کرد. بعد هم آن را به اوج رساند. تا وسط خلافت عثمان خبری از شیعه نبود. اسمی هم از شیعه نبرده بودند. ابن سبا آمد شیعه را درست کرد. او باعث شد اتحاد مسلمانان به هم بخورد.

بعد می‌گوید حال آمدند و گفتند که امام هم داریم. در اسلام امام داریم. این را چه کسی درآورد؟ با بحث‌هایی که دارد می‌گوید بیشترش برای هشام است. مبدع نظریه امامت هشام است. بعد می‌گوید بحث تحریف قرآن را چه کسی درآورد؟ می‌گوید تاریخ آن خیلی روشن نیست. اول چیزی که ما از آن سراغ داریم، این است که قرطبی در مقدمه تفسیرش اشاره‌ای را برای ما به جا گذاشته است.

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 09:24:24 وسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 08:29:12 وسط ... .